

نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» با روش تحلیل محتوا

سیده زهرا موسوی^۱
رضا حبیبی^۲

چکیده

هدف: مقاله پیش رو در صدد بررسی کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» به لحاظ حدود انطباق با استانداردهای کتاب درسی بود. سؤال اساسی پژوهش این بود که کتاب مذکور چه اندازه با ملاکهای ساختاری کتابهای درسی هماهنگ است. **روش:** روش استفاده شده در این مقاله، روش تحلیل محتوا بود. **یافته‌ها:** این کتاب با وجود برخی ویژگی‌های کتب درسی، از قبیل اهداف و تمرین و منابعی برای مطالعه بیشتر، از جهات دیگر با استانداردهای کتب درسی فاصله دارد. مواردی همچون: استاندارد نبودن اهداف یا مناسب نبودن پیش‌سازمانها که ساختاردهی نسبت به درس نداشتند. **نتیجه‌گیری:** این نکات بیانگر آن بود که برای تبدیل این کتاب به کتاب درسی استاندارد، باید تلاش مضاعفی صورت بگیرد و به رفع نقایص معطوف به بُعد درسی بودن کتاب مبادرت شود. با توجه به نوظهور بودن تدوین کتاب درسی در این حوزه، پیشنهاد می‌شود سایر صاحب‌نظران نیز، به بررسی این کتاب پرداخته، با ارائه پیشنهادهای مناسب، زمینه غنی‌تر شدن آن را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: نقد کتاب، تحلیل محتوا، کتاب درسی، نقد ساختاری. تدوین کتاب.

دریافت مقاله: 99/02/10؛ تصویب نهایی: 99/06/12.

1. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی؛ دانشگاه معارف اسلامی قم؛ گرایش اخلاق اسلامی (نویسنده مسئول)/نشانی: بلوار شهید موسی صدر(خاکفرج)، کوچه 61، دست راست فرعی سوم، پلاک 19 / شماره 025321101 / Email: tobazm@gmail.com
2. رضا حبیبی؛ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ دانشیار مجتمع علوم انسانی (از مجتمع های جامعه المصطفی) گروه مبانی اندیشه.

الف) مقدمه

پشتوانه علمی هر کشوری، مراکز علمی و دانشگاههای آن کشور است. هر چه دانشگاهها از درجه علمی بالاتری برخوردار باشند، سطح علمی کشور نیز افزایش می‌یابد و به تبع سطح علمی جامعه نیز ترقی می‌یابد. یکی از راههای ارتقای سطح علمی دانشگاهها و مراکز علمی، استاندارد کردن کتابهای درسی آن مراکز است. کتابهای درسی یکی از ارکان اصلی فرایند یادگیری محسوب می‌شوند و رسیدن به یک آموزش موفق، نیازمند بهره‌مندی از منابع مناسب و استاندارد برای یادگیری است (هایس و استرنبرگ،¹ 2017: بند 11). از این رو، تهیه و تدوین کتاب درسی نیاز به دقت و توجه بیشتری دارد و در این میان، کتب معارف از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ لذا برای رسیدن‌شان به بهترین جایگاه، باید از راههای مختلف به رشد و ارتقا آنها کمک کرد. یکی از راههای ارتقای این کتب، بالا بردن کیفیت کتابهای موجود است که از طریق نقد و ارزیابی به صورت دقیق و علمی میسر می‌شود. از این رو، مقاله حاضر به دنبال نقد یکی از کتب درسی دانشگاه در زمینه اخلاق است که از دروس عمومی محسوب می‌شود. بدین منظور، کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» نوشته جمعی از نویسندگان، با روش تحلیل محتوا در بوته نقد ساختاری قرار می‌گیرد.

این کتاب با بهره‌مندی از پشتوانه علمی نویسندگان، به نوبه خود از کتب ارزنده در این زمینه است و با توجه به موضوع آن؛ یعنی فلسفه اخلاق، می‌تواند برای دانشجویان علاقه‌مند به این عرصه، گزینه مناسبی باشد. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخگویی به آنیم، این است که «کتاب فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی در مقایسه با معیارهای کتاب درسی دارای چه کاستی‌هایی است؟». برای پاسخ به این سؤال، پس از مفهوم‌شناسی، گزارش کوتاهی از کتاب آمده و پس از بیان برخی مزایای آن، به نقد کتاب می‌پردازیم. برای نقد کتاب نیز اجزای اصلی کتاب شامل ساختار کتاب، عناوین دروس، اهداف، پیش‌سازمان، و فعالیتهای تکمیلی بررسی و نقد می‌شود. در پایان هر قسمت با روش تحلیل محتوا به ارائه گزارش می‌پردازیم.

گفتنی است که کتابهای درسی متناسب با چهار سطح یادگیری، شامل آشنایی، شناخت، درک و فهم، تسلط و اشراف، تنظیم می‌شود. هر یک از این سطوح، بازگوکننده مرحله‌ای از رویارویی فراگیر با دانش است که شرایط و ویژگی‌های خاصی دارد و کتاب درسی باید متناسب با آن تنظیم شود (رک: حبیبی، 1390: 169-184). کتاب حاضر متناسب با مرحله شناخت؛ یعنی دومین سطح یادگیری است.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه، با دو نگاه خاص و عام می‌توان به این موضوع پرداخت. در خصوص نقد این کتاب به عنوان پیشینه خاص، تا آنجا که جستجو شد، نقد با روش تحلیل محتوا بر این کتاب نوشته نشده است. تنها نقد موجود، مطلب کوتاهی در پایگاه اطلاع‌رسانی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی است که به صورت کلی به نقاط ضعف و قوت در دو بعد شکلی و محتوایی اشاره شده است. مؤلفه‌های کتاب درسی از جمله پیشگفتار، اهداف، مقدمه، تمرین و آزمون و خلاصه، در کنار کیفیت شکلی و چاپی اثر برشمرده شده است. به عبارت دیگر؛ به مؤلفه‌های کتاب درسی به صورت مستقل و جداگانه توجه نشده است.

در ارتباط با پیشینه عام، می‌توان به کتابهایی با موضوع تدوین و تحلیل کتب درسی اشاره کرد؛ از جمله: لپیونکا (2003) در کتاب خود¹ برخی مؤلفه‌های ساختاری مثل اهداف، تمرین و عناوین دروس و نحوه نگارش آنها در کتب دانشگاهی را توضیح داده است. در کتاب «مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تألیف کتب درسی» (آرمن و ملکی، 1391)، علاوه بر بیان ویژگی‌های کتاب درسی دانشگاهی، ویژگی‌های ساختاری و محتوایی به تفصیل معرفی شده است. نوریان (1394) در «روشهای ارزشیابی کتابهای درسی با تأکید بر تحلیل محتوای کتب و کیفی»، ضمن معرفی ساختار و عناصر کتاب درسی، مدل‌های هفتگانه تحلیل محتوای کتب کتابهای درسی را معرفی کرده است. جیمز هارتلی (2004) در مقاله‌ای² به توصیف برخی ویژگی‌های ساختاری کتاب درسی، همچون: عناوین، پیش‌سازمان‌دهنده، خلاصه‌ها و سؤالات می‌پردازد.

ب) روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا عبارت است از: مجموعه فنون تحلیل ارتباط که برای توصیف محتوای پیام و روشهای منظم عینی به کار می‌روند (باردن، 1374: 38؛ نقل از: قانلی و گلشنی، 1395). در تعریفی دیگر آمده است: «نوعی تکنیک پژوهش است که برای توصیف عینی، منظم و کمی از محتوای ارتباط، با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به کار می‌رود» (برلسون؛ نقل از: رسولی و امیرآشتانی، 1392: 29). دو ویژگی عینی و منظم بودن که در هر دو تعریف تکرار شده است، از شرایط اساسی روش تحلیل محتوا محسوب می‌شود. به واسطه این دو ویژگی، این امکان فراهم می‌شود تا تحلیل محتوا قابلیت تکرارپذیری را پیدا کند؛ به این معنا که اگر پژوهشگر دیگری با همین روش داده‌های مد نظر را بررسی کند، به نتیجه مشابه دست می‌یابد. این فرایند مسلتم داشتن قواعدی صریح و روشن است که در تمام موارد قابل اجرا

1. M.E. Lepionka: *Writing and Developing your College Textbook*.
2. J. Hartley: *"Designing Instructional and Informational Text"*.

824 ♦ نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» ...

باشند(رک: ازکیا، 1389: 390). با استفاده از این روش می‌توان به پژوهش در اسناد و پیامهای ارتباطی از جمله کتاب مجله روزنامه و ... پرداخت(همان: 389). با توجه به اینکه از روش تحلیل محتوا برای ارزیابی کتاب درسی استفاده می‌شود، تعریفی برای استفاده از این روش در کتب درسی نیز ارائه شده است: «یک روش پژوهشی منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتابها و متون برنامه درسی یا مقایسه پیامها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی است».(بازمحمدیان، 1380؛ نقل از: رسولی و امیرآشنایی، 1392: 29)

در این مقاله در با روش تحلیل محتوای کمی به نقد کتاب مَدّ نظر می‌پردازیم. بر اساس این روش باید به اندازه‌گیری کمی متغیرها پرداخت و نتیجه را به شکل اعداد و ارقام ارائه کرد(رک: حسن‌زاده، 1393: 158). بنابراین، با تبدیل داده‌ها به آمار، زمینه ارزیابی و بررسی داده‌ها و نتیجه‌گیری از آنها فراهم می‌شود. این روش دارای ارکانی است که عبارتند از:

واحد تحلیل: منظور واحدهایی است که از نظر آماری بررسی می‌شوند(رایف و همکاران، 1391: 68). در این تحقیق، واحدهای تحلیل شامل عنوان درس، اهداف، پیش‌سازمان‌دهنده و فعالیت‌های تکمیلی است.

جامعه آماری: محدوده‌ای که تحلیل محتوا در آن صورت می‌گیرد را جامعه آماری گویند(حسن‌زاده، 1393: 191). جامعه آماری این پژوهش، کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» است.

قواعد شمارش واحدها: از میان روشهای مختلف، از جمله: حضور یا عدم حضور عناصر خاص، شدت، جهت، فن مقایسه زوجی و رویکرد ذره‌ای، در روش تحلیل محتوا از شیوه شمارش عناصر استفاده می‌شود(رک: رسولی و امیرآشنایی، 1392: 119). در این مقاله نیز با استفاده از شمارش عناصر موجود در واحدهای تحلیل به تحلیل محتوا می‌پردازیم.

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری از مهم‌ترین مراحل تحلیل محسوب می‌شود. برای تحلیل محتوا روشهای نمونه‌گیری مختلفی می‌توان در نظر گرفت که از بهترین آنها، می‌توان به روش سرشماری اشاره کرد. منظور از روش سرشماری این است که تمام جمعیت واحدهای تحلیل، بررسی شود. به همین دلیل نتیجه به دست آمده از روش نمونه‌گیری، معتبرترین نتیجه مطالعاتی است(رک: رایف و دیگران، 1391: 94-95). در این مقاله نیز از روش سرشماری استفاده شده است و تمام جمعیت واحدهای تحلیل، بررسی شده‌اند.

در یک نگاه می‌توان گفت در این مقاله، واحدهای تحلیل شامل عنوان، ساختار کتاب، مقدمه مؤلف، عناوین درس، اهداف، پیش‌سازمان و فعالیت‌های تکمیلی در کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» به عنوان جامعه آماری، با معیارهای مَدّ نظر در تدوین کتاب درسی بررسی می‌شود و با روش سرشماری عناصر موجود در واحدهای تحلیل، شمارش و درصدگیری شده، به داده‌های کمی تبدیل می‌شوند و نتایج آن تحلیل و بررسی می‌شوند.

ج) مفهوم‌شناسی

1. نقد

معنای لغوی «نقد» و متناسب به موضوع پژوهش حاضر، «جدا کردن خوب و سره از بد و ناسره» (معین، 1379) است. نقد به معنای «ارزیابی و سنجش مسکوکات و جدا کردن سره از ناسره» (دمخدا، 1377؛ عید، 1362) نیز آمده است. نقد از جمله کلماتی است که در زبان عرب هم استفاده می‌شود، حتی گروهی اعتقاد دارند که این لفظ از زبان عربی به زبان فارسی وارد شده است (رک: اسلامی، 1383: 15)؛ از این رو، به بررسی آن در زبان عربی هم می‌پردازیم. در کتب لغت ذیل این واژه آمده است: «تَمَيِّزُ الدَّرَاهِمِ و إِخْرَاجُ الزَّيْفِ مِنْهَا» (ابن منظور، 1414)؛ شناسایی سکه‌ها و جدا کردن سره از ناسره. فراهیدی در العین هم تعبیری شبیه به همین معنا را دارد (فراهیدی، 1410، ج 5: 118). در اصطلاح نیز معنایی نزدیک به معنای لغوی نقد مد نظر است و آن را به معنای سنجش و ارزیابی و به دنبال تشخیص خوب از بد بودن (رک: اسلامی، 1383: 23) آورده‌اند. در تعریف دیگری چنین آمده: «نقد در اصطلاح به معنای داوری و قضاوت دوجانبه در مورد یک گزاره است» (قاسمی و همکاران، 1394: 36).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی، می‌توان گفت نقد به معنای سنجش و ارزیابی کردن برای مشخص کردن خوبی و بدی است. با توجه به این معنا، در سنجش، نقاط قوت و ضعف، شناخته و ارزیابی می‌شوند. در این مقاله نیز با این دید به نقد پرداخته و از مزایای کتاب غفلت نمی‌شود.

2. کتاب درسی

در تعریف کتاب درسی آمده «کتاب درسی یا درسنامه، به عنوان یکی از وسایل یادگیری، متنی است که برای تدریس یک موضوع یا موضوعات مختلف تهیه می‌شود» (شریفی‌نیا، 1389: 22). زمانی یک متن به عنوان کتاب درسی شناخته می‌شود که ویژگی‌هایی خاصی را که لازمه تدریس و فراگیری است، داشته باشد. یکی از این ویژگی‌ها، تمرین و فعالیت‌هایی است که زمینه یادگیری را فراهم کنند. خصوصیت دیگر، داشتن معیاری برای اندازه‌گیری میزان یادگیری فراگیران است (همان). در تعریف دیگری، چنین آمده است: «کتاب درسی دانشگاهی کتابی است که طبق برنامه و اهدافی معین و با حجمی مشخص تدوین شده است و در دوره‌های آموزشی در درسهای مختلف در آموزش عالی مورد استفاده استادان و دانشجویان قرار می‌گیرد» (آرمند و ملکی، 1391: 27). البته در این تعریف، به جایگاه علمی کتاب درسی نیز توجه شده است. بنابر این، کتاب درسی کتابی است که با هدفی خاص، متناسب با برنامه آموزشی و با حجمی مشخص تدوین می‌شود و تمرین‌هایی برای افزایش زمینه یادگیری و همچنین معیارهایی برای سنجش میزان یادگیری فراگیران دارد.

د) گزارش توصیفی محتوای کتاب

کتاب فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، نوشته جمعی از نویسندگان است و در گروه اخلاق اسلامی مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، در شش فصل تهیه و تنظیم شده است.

فصل اول بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی، به انواع پژوهشهای اخلاقی؛ یعنی پژوهش توصیفی، پژوهشهای هنجاری و فرا اخلاق اشاره شده است. نویسنده پس از بیان برخی مسائل مهم مطرح در این حوزه، متذکر می‌شود که هیچ جامعه و شخصی از اخلاق بی‌نیاز نیست و به تبع، نیاز به فلسفه اخلاق نیز به دلایل مختلفی از جمله پاسخ به برخی سؤالات ذهن کنجکا و بشر و حل تعارض میان احکام اخلاقی وجود دارد. در ادامه نیز به پیشینه بحث فلسفه اخلاق اشاره شده که به لحاظ یک رشته مستقل، دانشی جوان محسوب می‌شود؛ ولی به لحاظ مباحثی که در میان علما و فیلسوفان دوران یونان باستان وجود داشته، می‌توان شواهدی برای آن آورد. در پایان اشاره شده که در میان مسلمانان به فلسفه اخلاق کمتر توجه شده است.

فصل دوم به واقع‌گرایی اخلاقی به عنوان یکی از مسائل مهم و بنیادی فلسفه اخلاق اختصاص یافته است. پس از تبیین مفهوم و مصداق و مفاهیم، به این مطلب تصریح می‌شود که گزاره‌های اخلاق از دو بخش عمده موضوع و محمول تشکیل می‌شوند. موضوع، فعل اختیاری انسان و محمول آنها نیز دو مفهوم بنیادی ارزشی و الزامی است. در پایان نیز به پیامدهای غیر واقع‌گرایی، از جمله نسبی‌گرایی اشاره می‌کند.

موضوع فصل سوم، معیار ارزش اخلاقی است که در این زمینه دیدگاههای اخلاقی به دو دسته تقسیم شده‌اند: نتیجه‌گرا؛ این دیدگاه به هدف و غایت رفتارهای اخلاقی توجه دارد. لذت، سود، قدرت، رفاه و کمال برخی از معیارهایی‌اند که در این دیدگاه به عنوان غایت مطرح می‌باشند. نظریه وظیفه‌گروانه در مقابل نظریه‌های نتیجه‌گرا قرار دارد. این گروه معتقدند که فعل یا صفت اخلاق ویژگی‌هایی دارد که صرف نظر از نتیجه‌ای که ممکن است داشته باشد، موجب می‌شود آن فعل یا صفت خوب و الزامی شود. در پایان، دیدگاه صحیح با عنوان دیدگاه قرب الهی، معیار ارزشمندی و اخلاقی بودن افعال دانسته شده است؛ به این ترتیب که بین فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب انسان که قرب الهی است باید تناسب برقرار کرد. اگر این رابطه مناسب باشد، آن فعل خوب و اگر رابطه مناسب نباشد، بد است.

در فصل چهارم، نسبییت و اطلاق اخلاقی بحث شده است. ابتدا دو تعریف اطلاق و نسبییت، تبیین شده و اطلاق حداقلی به عنوان معنای مد نظر اعلام می‌شود. اشکالات وارد بر مطلق‌گرایی کانتی بیان می‌شود و این دیدگاه را رد می‌کند. در ادامه، ادله نسبی‌گرایان را شرح داده و انواع نسبی‌گرایی را نقد و بررسی می‌کند. در پایان نیز پیامدهای پذیرش این دیدگاه را بیان می‌کند.

مسئولیت اخلاقی از دیگر مسائل فلسفه اخلاق است که در فصل پنجم کتاب به آن پرداخته می‌شود. ابتدا اهمیت موضوع و پیشینه آن آمده، سپس به تبیین معنای مسئولیت می‌پردازد که در حقیقت؛ منظور از مسئولیت، پاسخگو بودن در قبال وظایف است. در ادامه نیز تعریف مسئولیت اخلاقی و شرح شرایط آن؛ یعنی آگاهی یا امکان تحصیل، قدرت یا امکان تحصیل آن و آزادی اختیار، آمده است.

فصل ششم که آخرین فصل کتاب است، به بررسی رابطه دین و اخلاق می‌پردازد. نویسنده بحث را از تبیین دیدگاه تباین و دیدگاه اتحاد شروع کرده و به نقد و رد آنها پرداخته است و بعد در تبیین دیدگاه مورد قبول (دیدگاه تعامل دین و اخلاق)، نیازمندی‌های دین به اخلاق بیان شده و متقابلاً نیازمندی‌های اخلاق به دین نیز بررسی شده است.

ه) بیان مزایای کتاب در دست بررسی

زمانی یک اثر نقد می‌شود که دارای نقاط مثبت است و در کنار آنها، کاستی‌هایی نیز به چشم می‌آید؛ لذا نقد یک اثر به معنای نبودن نکات مثبت در آن نیست. این کتاب نیز از این امر مستثنا نیست و به لحاظ احترام به نویسندگان و اندیشمندی که با تکیه به پشتوانه غنی علمی و تجارب تدریس به تدوین کتاب پرداخته‌اند و همچنین رعایت ادب به محضر متخصصان و ساحت علمی مراکز علمی، به بیان نقاط قوت و مزایای کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه با مباحث تربیتی» می‌پردازیم.

جامعیت مطالب: عناوین و مطالب در هر یک از مباحث مطرح در کتاب، از جامعیت برخوردار است. نگاه دقیق و علمی به مباحث، نشان از احاطه علمی نویسندگان این اثر دارد.

انتخاب مسائل چالش برانگیز اخلاق: مسائل مطرح در کتاب، از مسائل بحث‌برانگیز و چالشی فلسفه اخلاق است که تبیین و تحلیل آنها برای دانشجویان که در مواجهه با شبهات و سؤالات گوناگون قرار دارند، بسیار مفید و راهگشاست و بنیه فکری و علمی آنان را تقویت می‌کند.

عملیاتی کردن مباحث نظری: درگیر کردن ذهن فراگیر با مباحثی که در اطراف او وجود دارد و به وجه اخلاقی آن توجه نمی‌شود، نیز از دیگر مزایای کتاب است. مباحثی مانند مسئولیتهای اخلاقی که با یک مثال از زندگی عادی شروع کرده و این موضوع را به عرصه زندگی وارد می‌کند. (رک: خواص و همکاران، 1385: 108)

پشتوانه علمی: پشتوانه قوی کتاب از نظر منابع که نشانه تتبع گسترده نویسندگان و تسلط ایشان در این زمینه است، نباید از چشم پوشیده بماند. استفاده از منابع معتبر، استواری مطالب کتاب را تقویت کرده و اتقان و صحت آن را همراه دارد.

با توجه به نکات پیش گفته، این اثر در میان کتب درسی نگاشته شده برای اخلاق، دارای برتری‌هایی از نظر محتوا و ساختار ظاهری است؛ هر چند لازم است با تطبیق کتاب با معیارهای استاندارد کتاب درسی، به نقاط ضعف آن نیز توجه شود تا زمینه‌ای برای ارتقای کتب درسی مراکز علمی فراهم شود.

(و) یافته‌ها (نقد کتاب)

این کتاب با تکیه بر معیارهای ساختاری کتاب درسی، سنجش و تحلیل می‌شود. موضوعات مورد بررسی، هر کدام دارای معیار و سنجش است که ابتدای هر بحث به آن اشاره می‌شود و در ادامه به تطبیق آن با کتاب پرداخته می‌شود. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، ساختار کتاب، عناوین درسها، اهداف رفتاری، پیش‌سازمان و در پایان نیز فعالیتهای تکمیلی است.

1. ساختار کتاب

ساختار کتاب باید نمایی از علم مورد بحث را نشان دهد و در عین حال، دارای سیر منطقی باشد. به عبارت دیگر؛ از لحاظ محتوایی گزینش مطالب به گونه‌ای باشد که مباحث مهم و اصلی آن علم را در بر بگیرد و از لحاظ چینش نیز سیر منطقی در ارائه وجود داشته باشد و این دو در کنار هم زمینه را فراهم می‌کنند تا فراگیر به هدف کتاب دست یابد (حیی، 1390: 268-246). با توجه به این ملاکها، ساختار کتاب از دو منظر گزینشی و چینشی بررسی می‌شود.

گفتنی است که مسائل مطرح در فلسفه اخلاق، رابطه تولیدی با هم ندارند. بیشتر موضوعاتی‌اند که در عرض یکدیگر قرار دارند و دانستن موضوعی پیش‌نیاز موضوع دیگر نیست. از این رو، لازم است برخی مسائل برای بحث گزینش شوند. این کتاب در گزینش مسائل و عنوانهای اصلی کتاب، انتخاب مناسبی داشته و از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای خودداری کرده است. اما گاه در گزینش مباحث فرعی و همچنین چینش مطالب، اشکالاتی وجود دارد که در ادامه، هر فصل از کتاب به لحاظ گزینش و چینش مطالب بررسی می‌شود.

فصل اول: طبق استانداردهای کتاب درسی در این قسمت باید کلیات شامل تعریف، موضوع، فایده و غایت، روش، جایگاه، مبادی تصویری و تصدیقی، نظام مسائل، علم مورد بحث تبیین شود. (رک: حیی، 1390: 214-221)

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: طبق آنچه در فصل اول آمده، تعریف فلسفه اخلاق صورت گرفته است؛ البته در آغاز بحث، تعریفی از اخلاق و انواع پژوهشهای اخلاقی (اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری و فرااخلاق) آمده است تا ضمن آن بتوان تعریفی از فلسفه اخلاق و موضوع فلسفه اخلاق ارائه کرد.

عنوان دیگری که در این فصل آمده، اهمیت و ضرورت فلسفه اخلاق است که شاید بتوان آن را فایده و غایت فلسفه اخلاق دانست. از روش بحث در فلسفه اخلاق به صراحت سخنی به میان نیامده، ولی از مجموع مطالب می‌شود دریافت که روش بحث، فلسفی و عقلی است. در عنوان پیشینه، به تاریخچه فلسفه اخلاق اشاره شده است. در خصوص مبادی تصویری و تصدیقی اگر منظور از مبادی تصویری و تصدیقی، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی باشد، در این فصل به آن اشاره نشده؛ ولی در فصل بعد قبل از شروع به بحث به توضیح مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی پرداخته است.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: در فهرست این درس، مباحث شماره‌گذاری شده است؛ به گونه‌ای که مباحث اصلی از عدد یک شماره‌گذاری شده و این اعداد تا پنج ادامه دارد؛ اما از شماره پنج به بعد، دو عنوان اصلی بدون شماره آمده است. البته به نظر می‌رسد شماره یک که عنوان مفهوم‌شناسی دارد، مورد دوم را که علم اخلاق است، هم در بر می‌گیرد و ضرورتی ندارد برای آن شماره‌گذاری جداگانه‌ای در نظر گرفت.

فصل دوم: به موضوع واقع‌گرایی در اخلاق می‌پردازد.

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: فصل دوم در بحث واقع‌گرایی با تعریف مفهوم و مصداق و اقسام مفاهیم شروع شده است که به مباحث فلسفی و منطقی اشاره دارد و حجمی از اطلاعات را به فراگیر منتقل می‌کند که باعث سردرگمی او می‌شود. بعد از این، به تعریف مفاهیم اخلاق می‌پردازد که مباحث فلسفی و منطقی را که در اقسام مفاهیم آورده است کاربردی در این تعریف نداشته و فقط در نکاتی که در تحلیل گزاره‌های اخلاقی باید به آن توجه کرد در نکته سوم و چهارم و پنجم به آن اشاره دارد که در اصل بحث؛ یعنی واقع‌گرایی اخلاقی تأثیری ندارد و فقط ذهن مخاطب را با عبارات و الفاظ تخصصی غیر مربوط با اخلاق درگیر می‌کند. هر چند بیان آنها شاید در فهم بهتر اثر داشته باشد ولی یادگیری متوقف بر آنها نیست. در نکته پنجم هم از معقول ثانی فلسفی یاد شده؛ در حالی که با آوردن مثال، منظور خود را رسانده و نیازی به استفاده از الفاظ تخصصی فلسفی نبود. در حقیقت؛ استفاده از عبارات تخصصی فلسفه، بحث را سنگین کرده و بر پیچیدگی آن افزوده و از روانی و سادگی آن کاسته است.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: در این فصل ابتدا واقع‌گرایی مفاهیم اخلاقی آمده و سپس واقع‌گرایی در گزاره‌های اخلاقی مطرح می‌شود. در صورتی که بهتر بود ابتدا مشخص می‌شد که واقع‌گرایی در دو زمینه مفاهیم و گزاره‌ها بررسی می‌شود، تا از سرگردانی فراگیر نسبت به مطالب جلوگیری شود و بعد به تبیین هر کدام پرداخته می‌شد.

فصل سوم: در این فصل، بحث از معیار ارزش اخلاقی است.

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: بهتر بود ابتدای بحث عنوانی می‌آورد که نشان‌دهنده وجود دیدگاه‌های مختلف در این زمینه باشد. اشکال دیگری که در ساختار این درس وجود دارد، عنوانهای

830 ♦ نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» ...

فرعی است که ذیل دیدگاه صحیح آمده است. عناوین این قسمت هیچ ارتباطی با هم ندارند و نمی‌توان رابطه و سیر منطقی بین آنها برقرار کرد. حتی شماره‌گذاری هم نشده تا معلوم شود که عنوانهای بعدی زیرعنوان‌اند یا عنوانهایی در موازات یکدیگر!

در دیدگاه صحیح، عنوان حسن و قبح ذاتی و عقلی آمده؛ در حالی که لازم نبود این بحث آورده شود؛ چون این موضوع در مباحث کلامی بحث مفصل و دامنه‌داری است. بهتر بود این عنوان ذکر نمی‌شد؛ زیرا علاوه بر اینکه نبود آن به بحث خللی وارد نمی‌کرد، ذهن مخاطب نیز با الفاظ تخصصی کلامی درگیر نمی‌شد.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: در این فصل ابتدا دیدگاههای نادرست تبیین و نقد شده و در پایان، دیدگاه صحیح تبیین شده است. بهتر بود ابتدا دیدگاه صحیح برای فراگیر تبیین می‌شد قبل از اینکه که ذهن او را با دیدگاههای نادرست درگیر کند. در قسمت تبیین دیدگاه صحیح برای راههای درک خوبی و بدی، مطالب بدون تیترو به صورت بکسوات و پی‌درپی آمده است؛ در صورتی که می‌شد برای آنها تیترو زده و هر مورد را با عنوان خودش آورد، مثل عقل و وحی و الهام قلبی. در تیترو، عنوان حسن فعلی و حسن فاعلی آمده؛ در حالی که چند صفحه قبل (صفحه 77) حین بحث از ملاک تشخیص کمال، از نیت بحث شده است. از آنجا که حسن فاعلی همان نیت است، بهتر بود این دو مطلب در یکجا می‌آمد؛ زیرا پراکنده‌گویی به تشویش ذهن فراگیر می‌انجامد.

فصل چهارم: با عنوان نسبیّت و اطلاق در اخلاق نیز از لحاظ گزینش و چینش بررسی می‌شود.

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: این فصل از نظر گزینش مطالب اشکال خاصی ندارد و گزینش آن مناسب بوده است.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: اشکالی که در چینش این فصل دیده می‌شود، ذیل عنوان نسبی‌گرایی است که به ادلّه نسبی‌گرایان پرداخته شده و نقد آنها بیان شده و بعد انواع نسبی‌گرایی توضیح داده شده است. اشکال اول این ساختار، آوردن نظرات مختلف نسبی‌گرایی است که در مرحله شناخت نباید آورده شود تا موجبات تشویش ذهن فراگیر فراهم نشود. در مرحله دوم، در صورتی که این انواع ذکر می‌شود، باید قبل از ادلّه نسبی‌گرایان ذکر شود؛ زیرا در آنجا به ناچار به اقسام اشاره می‌شود.

فصل پنجم: به موضوع مسئولیت اخلاقی پرداخته است.

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: دو عنوان معانی و کاربردهای اختیار و شبهات مربوط به اختیار انسان، از مباحثی است که در اصل بحث دخالتی ندارند و شاید مطرح کردن آن به پراکندگی ذهن فراگیر بینجامد. عنوان دیگری که در این درس آمده، عوامل تعیین‌کننده مسئولیت اخلاقی در آیات و روایت است که به نظر می‌رسد ورود به جزئیات است.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: در عنوانهای این فصل دو عنوان مشابه آمده است: معنای مسئولیت و تعریف مسئولیت! در حالی که این دو عنوان باید ذیل یک عنوان با نام مفهوم‌شناسی بیاید تا از تعدد و تشابه عناوین جلوگیری شود. «عوامل تعیین‌کننده مراتب مسئولیت اخلاقی در آیات و روایات» عنوان دیگری است که به نظر نباید مطرح می‌شد؛ زیرا بحث از مراتب مسئولیت اخلاقی، دو عنوان قبل آمده و اگر لازم است این بحث مطرح شود، باید ذیل همان عنوان می‌آمد.

فصل نهم: به بحث دین و اخلاق پرداخته است.

ارزیابی از نظر گزینش مطالب: مطالب این فصل از تبیین و نقد دیدگاه شروع شده و در نهایت دیدگاه مورد قبول تبیین شده است. از این نظر که کتاب برای مرحله‌شناسی تدوین شده است، پرداختن به دیدگاههای مختلف و نقد آنها مناسب نیست.

ارزیابی از لحاظ چینش مطالب: ساختار درس با عنوان بیان دیدگاهها شروع شده و زیرعنوانهای آن شماره‌گذاری شده است. پس از اینکه دیدگاه مورد قبول را با عدد سه شماره‌گذاری می‌کند، قاعداً باید شماره‌گذاری تمام شود! ولی در ادامه، زیرعنوان نیازمندی‌های دین به اخلاق را که به دیدگاه مورد قبول تعلق دارد، شماره‌گذاری کرده و عدد چهار را به آن اختصاص می‌دهد و مورد پنج نیز همین اشکال را دارد.

2. عناوین درسها

مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عناوین درسها عبارتند از: تطابق عنوان با محتوا، واضح و روشن بودن عنوان و خلاصه و رسا بودن آن (هارتلی، 2004: 924؛ نادری و سیف‌نراقی، 1391: 174). تقسیم‌بندی‌ها در کتاب حاضر بر اساس فصل‌بندی صورت گرفته است؛ به این ترتیب که هر فصل یک عنوان دارد که به یکی از مسائل فلسفه اخلاق اشاره دارد. طبق معیارهای کتاب درسی تقسیم‌بندی‌ها باید به صورت درس باشد و این نقص در کتاب دیده می‌شود. در عین حال، عناوین آنها کوتاه و واضح است و هر عنوان به محتوای همان درس اشاره دارد و از این نظر، نقدی بر آن وارد نیست.

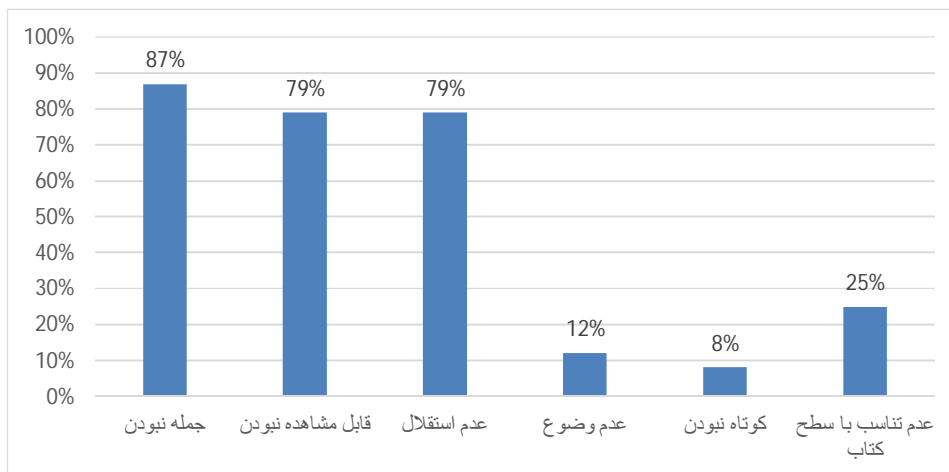
3. اهداف رفتاری

وجود اهداف باعث انگیزه مدرّسان می‌شود و فعالیتهای آنان را هدایت می‌کند. در این راستا، برخی اهداف بلندمدت و نامحسوس‌اند و برخی دیگر، کوتاه‌مدت و در دسترس (واکر،¹ 1997). اهداف رفتاری به عنوان چارچوبی برای محتوای درس محسوب می‌شوند. این اهداف در راستای اهداف کلی‌اند و آنچه فراگیر در یک دوره آموزشی باید به آن دست یابد، تبیین می‌کنند. تعیین اهداف باعث می‌شود برای دستیابی به

832 ♦ نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» ...

مجموعه رفتارهای خاصی که از برنامه‌های آموزشی انتظار می‌رود، چشم‌انداز روشنی وجود داشته باشد (سپسون،¹ 1966). از لحاظ صوری اهداف باید واضح و کوتاه و در قالب جمله و سوم شخص مفرد باشند. از لحاظ محتوایی نیز اهداف باید قابل مشاهده باشند. لازم است اهداف مستقل بیابند و ترکیب چند هدف در قالب یک هدف نباشد. سطح دانشی اهداف نیز نباید فراتر یا فروتر از سطح دانشی کتاب باشد؛ به این معنا که اگر سطح کتاب آشنایی، شناخت یا تسلط یا اشراف است، اهداف نیز باید مطابق آن باشد. ناظر بودن اهداف به فراگیر، تأیید و تقویت اهداف توسط یکدیگر نیز از دیگر معیارهای محتوایی اهداف است. (رک: لیونکا، 2003: 148-161؛ بوم و همکاران، 1374: 100-14؛ پارسا، 1372: 347؛ حبیبی، 1390: 175-180)

در ابتدای اهداف رفتاری این عبارت آمده است: «مطالب زیر از فراگیری این فصل انتظار می‌رود» که این عبارت صحیح نیست و بهتر است چنین آورده شود: «از فراگیر انتظار می‌رود در پایان درس بتواند...».



نمودار 1: اشکالات اهداف

نتیجه بررسی اهداف را می‌توان در دو قسمت ارائه کرد:

یک) ویژگی‌های رعایت شده: بیان اهداف در جملات کوتاه از ویژگی‌های صوری اهداف است که در تنظیم اهداف این کتاب رعایت شده و فقط در دو مورد، به این مهم توجه نشده است. روشن و واضح بودن نیز دیگر ویژگی صوری است که در تمام موارد به جز سه مورد، رعایت شده است.

دو) ویژگی‌های رعایت نشده: مهم‌ترین اشکالی که در اهداف دیده می‌شود، جمله نبودن اهداف است. از 24 هدف، 21 هدف این اشکال را دارد که به تبع ویژگی‌هایی از جمله نوع فعل، تأکید بر رفتار،

1. Simpson

833 سیده زهرا موسوی و رضا حبیبی

قابلیت دسترسی، قلمرو یادگیری را هم نخواهند داشت. در سه موردی هم که هدف به صورت جمله آمده، فعل به صورت مفرد غایب نیست.

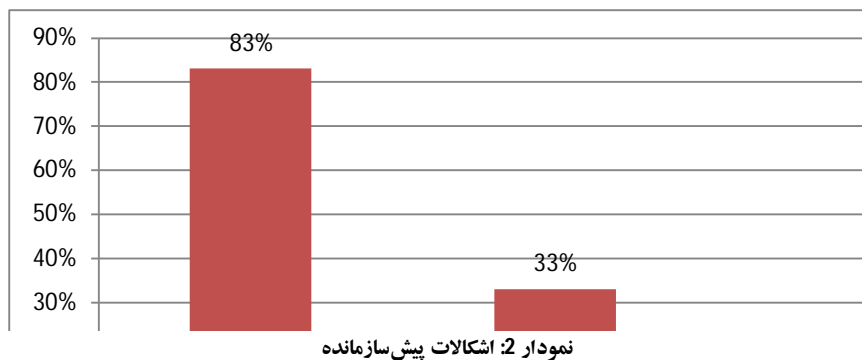
به جز شش مورد، سایر اهداف قابل مشاهده نیستند و در 18 مورد این ویژگی رعایت نشده است. در بیش از نیمی از اهداف، چند هدف در قالب یک هدف آمده است.

طبق ارزیابی انجام شده، 87 درصد از اهداف، جمله نیستند و 79 درصد نیز قابل مشاهده نیستند. 79 درصد از آنها ترکیبی از چند هدف اند. عدم تناسب سطح اهداف با سطح کتاب، 25 درصد است. عدم وضوح، 12 و کوتاه نبودن، 8 درصد را به خود اختصاص داده اند.

4. پیش سازمان

پیش سازمان از دیگر موضوعاتی است که در کتاب درسی ارزیابی می شود. پیش سازمان وظیفه برقراری ارتباط بین اطلاعات پیشین فراگیر و مطالبی که در درس جدید می آموزد را بر عهده دارد. پیش سازمان، مدخل درس محسوب می شود؛ از این رو، هر چه جذاب تر باشد، زمینه یادگیری فراگیر نیز بیشتر می شود. کوتاه و واضح بودن از شرایط صوری و انگیزه بخشی و ایجاد چارچوب ذهنی برای تثبیت اطلاعات و ارتباط با اطلاعات قبل و مطالب بعد، از شرایط محتوایی پیش سازمان است. (ر.ک: فحی واجارگاه، 1395: 235-240؛ کیانارثی و همکاران، 1393: 4-3؛ پاکور، 1390: 194)

در ابتدای هر فصل، مطلبی آمده که اگر آن را به عنوان پیش سازمان تلقی کنیم، می توان گفت از برخی جهات شبیه پیش سازمان است و در برخی موارد هم ویژگی های آن را ندارد. در نمودار 2، پراکندگی اشکالات در پیش سازمانها به نمایش درآمده است.



نکاتی که در پیش سازمانها رعایت نشده به شرح ذیل است:

834 ♦ نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» ...

- کوتاه بودن؛ که در تهیه پیش‌سازمانهای این کتاب رعایت نشده است و فقط فصل چهارم این ویژگی را دارد.

- آوردن سؤالات پی‌درپی در پیش‌سازمان، وضوح و روانی مطلب را از بین می‌برد؛ مانند آنچه در فصل چهارم آمده است. در فصل پنجم نیز این امر تکرار شده، اگرچه پرسش یکی از روشهایی است که برای انگیزش در پیش‌سازمان استفاده می‌شود، ولی این حجم از سؤالات در ابتدای درس، مخاطب را با هجمه‌ای از ابهامات مواجه می‌کند.

- ساختاردهی نسبت به درس فعلی فقط در فصل دوم و سوم آمده و سایر پیش‌سازمانها این ویژگی را ندارند.

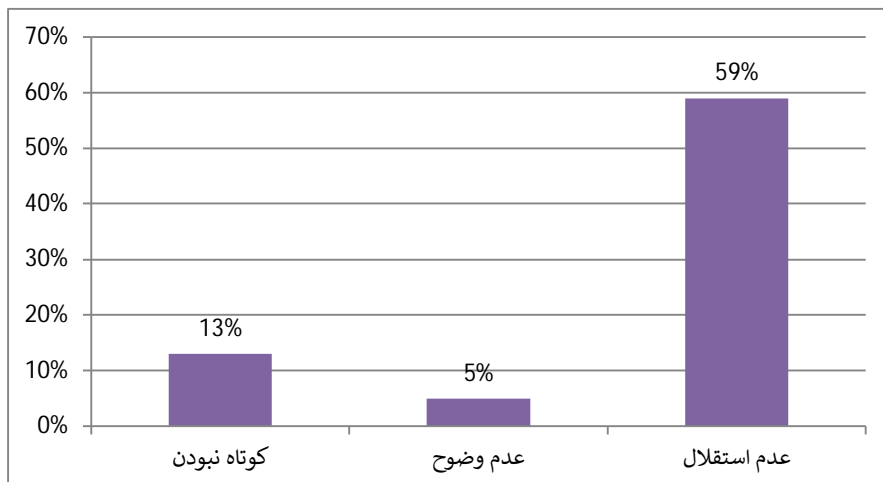
بنابر یافته‌های مذکور، بیشترین اشکال با 83 درصد، به کوتاه نبودن متن پیش‌سازمانها برمی‌گردد و عدم ساختاردهی نسبت به درس نیز با 66 درصد، اشکال دیگری است که بر پیش‌سازمانها وارد است. عدم وضوح، 33 درصد را به خود اختصاص داده و از نظر بعد انگیزشی و ارتباط با مطالب قبل، مشکلی وجود نداشته است.

5. نقد فعالیتهای تکمیلی

فعالتهای تکمیلی کتاب درسی شامل خلاصه، پرسشها و منابعی برای مطالعه بیشتر است که به تفکیک، هر کدام را ارزیابی می‌کنیم.

یک) خلاصه: خلاصه یکی از ارکان کتاب درسی است که در پایان هر درس، علاوه بر مرور نکات اصلی، باعث تثبیت رئوس مطالب در ذهن فراگیر می‌شود (ر.ک: حسن‌مرادی، 1395: 69؛ مورسون، 1387: 345-334؛ بایلی، 2011: 57). اما در این کتاب، خلاصه برای دروس ارائه نشده و این اشکال، بر این کتاب وارد است.

دو) پرسش: برای ارزیابی پرسشهای کتاب درسی، سه معیار در نظر گرفته می‌شود: کوتاه بودن، واضح بودن که از شرایط صوری آن به شمار می‌آید و شرط محتوایی که هر پرسشی فقط شامل یک سؤال باشد. در مجموع نیز باید از روشهای متنوعی برای پرسش استفاده شود (ر.ک: هارتلی، 2004: 926؛ نئی‌پور، 1390: 228-224؛ فتحی‌واجارگاه، 1395: 270؛ معاونت پژوهش، 1382: 98-97)

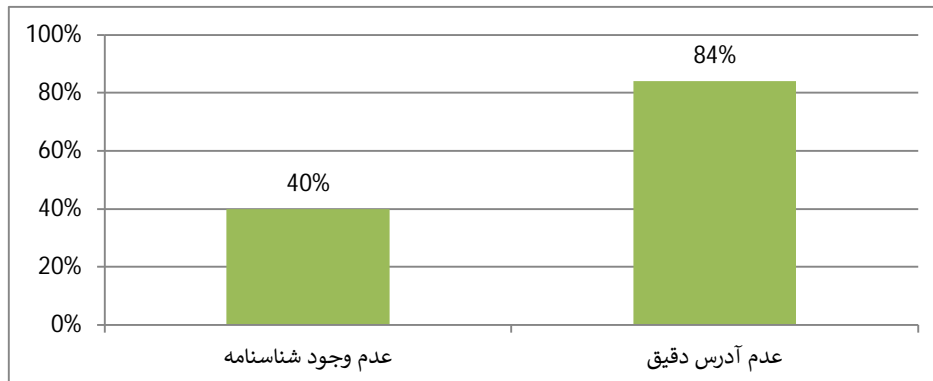


نمودار 3: اشکالات پرسش

در مجموع شش فصل، 39 پرسش مطرح شده است. تمامی پرسشها به جز دو سؤال، به صورت واضح و روشن بیان شده‌اند. پرسشها به صورت کوتاه آمده و فقط در پنج پرسش این معیار رعایت نشده است. در مقابل، عدم تفکیک بین سؤالات و ادغام چند سؤال در یک سؤال، مهم‌ترین اشکالی است که در پرسشها دیده می‌شود. 23 پرسش از 39 پرسش این مشکل را داشتند. در مجموع، سؤالات کتاب تنوع ندارند و از روشهایی مانند خلاصه‌نویسی و رسم جدول و سایر روشهای تمرینی استفاده نشده است.

طبق بررسی انجام‌شده، 59 درصد از پرسشها ترکیب چند سؤال در یک سؤال بودند که بیش از نیمی از پرسشها را شامل می‌شود. 13 درصد پرسشها کوتاه نبودند و پنج درصد آنها وضوح نداشتند و کمترین اشکال نیز به این مورد اختصاص دارد.

سه) منابعی برای مطالعه بیشتر: در پایان هر فصل، منابعی برای مطالعه بیشتر آمده است. در مرحله شناختی باید منابعی که برای مطالعه معرفی می‌شوند، علاوه بر مشخصات کتاب، صفحه هم مشخص باشد تا فراگیر دچار حیرت و سرگردانی نشود (رک: فتحی و جارگاه، 1395: 270). در جدول 4، فراوانی اشکالات مشخص شده است.



نمودار 4: اشکالات منابع برای مطالعه

در ارزیابی انجام شده از 25 منبع معرفی شده در کتاب، 21 مورد (84 درصد) نشانی دقیق را ندارد؛ 40 درصد منابع معرفی شده نیز فاقد مشخصات کامل اند.

تکته: در پایان فصل اول و پنجم، بعد از پرسشها، سؤالات و موضوعاتی مطرح شده و از فراگیر خواسته شده است به پژوهش درباره آنها بپردازد. این فعالیت برای کتاب درسی در سطح شناخت، مناسب نیست و باید از ارائه چنین مواردی خودداری کرد.

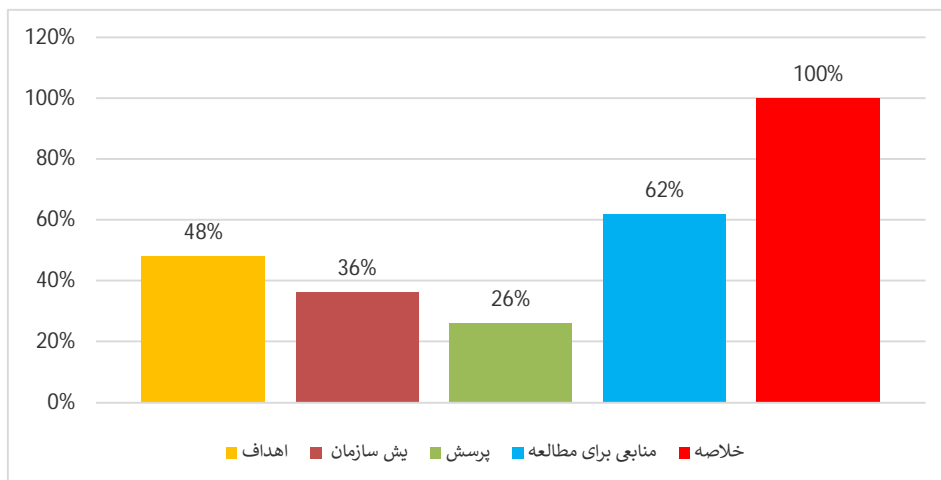
ز) جمع بندی و نتیجه گیری

کتاب «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» با توجه به جامعیت و غنای علمی اش، نسبت به سایر کتب درسی در این زمینه برتری دارد؛ ولی در مقایسه با معیارهای صوری کتاب درسی، دارای اشکالاتی است که به تفکیک بیان شد. از این بررسی به دست آمد که ساختار کلی کتاب در مجموع به لحاظ گزینش، اشکال عمده ای نداشت؛ ولی به لحاظ چینش درسها در هر فصل، اشکالاتی وجود دارد که رفع آن سیر بحث را منطقی تر می کند. در عناوین فصلها نیز اشکالی وجود نداشت. در ارزیابی اهداف رفتاری بیشترین اشکال با 87 درصد به جمله نبودن و 79 درصد نیز به عدم استقلال اهداف اختصاص دارد.

در ابتدای هر فصل، متنی آمده و با فرض اینکه منظور نویسنده از این متن پیش سازمان بوده، به ارزیابی آن پرداخته شد. بیشترین اشکال با فراوانی 83 درصد، به کوتاه نبودن پیش سازمانها برمی گردد. در فعالیتهای تکمیلی که شامل پرسشها و منابعی برای مطالعه بیشتر است، هر قسمت جداگانه بررسی شد. در پرسشها بیشترین اشکال با فراوانی 59 درصد، به عدم استقلال سؤالاها و ترکیب چند سؤال در یک سؤال برمی گردد. در بحث منابعی برای مطالعه بیشتر، بیشترین اشکال با 84 درصد فراوانی، به نداشتن نشانی دقیق تعلق گرفت.

837 **سیده زهرا موسوی و رضا حبیبی**

البته گفتنی است که این کتاب خلاصه ندارد که یک نقص برای کتاب درسی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به مزیت‌های این کتاب، اصلاح آن با توجه به معیارهای صوری کتاب درسی، برای استفاده در مراکز علمی، مناسب باشد. در پایان پیشنهاد می‌شود به نقد محتوایی این اثر نیز توجه شود.



نمودار 5: میزان اشکالات مؤلفه‌های کتاب درسی «فلسفه اخلاق یا تکیه بر مباحث تربیتی» با روش تحلیل محتوا



منابع

- آرمند، محمد حسن و ملکی (1391). مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی. تهران: سمت.
- آزکیا، مصطفی و همکاران (1389). روشهای کاربردی تحقیق. تهران: کیهان، چ دوم.
- ابن منظور، محمد (1414 ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اسلامی، سید حسن (1383). اخلاق نقد. قم: معارف.
- باردن، ال. (1374). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بلوم، بنجامین اس. و همکاران (1374). طبقه‌بندی هدفهای پرورشی (حوزه شناختی). ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی. تهران: رشد.
- پارسا، محمد (1372). روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها. تهران: بعثت.
- پاکپور، یونس (1390). زمینه تکنولوژی آموزشی. تهران: دیدار.
- تقی پور، علی (1390). برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: آگه.
- حبیبی، رضا (1390). برنامه‌ریزی درسی. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- حسن‌زاده، رمضان (1393). روش تحقیق کاربردی. تهران: روان، چ سوم.
- حسن‌مرادی، نرگس (1395). تحلیل محتوای کتاب درسی. تهران: آبیژ، چ چهارم.
- خواص، امیر و همکاران (1385). فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی. قم: معارف.
- دهخدا، علی‌اکبر (1377). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- رایف، دانیل و همکاران (1391). تحلیل پیامهای رسانه‌ای کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق. ترجمه مهدخت بروجردی علوی. تهران: سروش، چ چهارم.
- رسولی، مهستی و زهرا امیرآشتیانی (1392). تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی. تهران: جامعه‌شناسان، چ دوم.
- شریفی‌نیا، محمد (1389). مبانی و اصول طراحی کتاب درسی. قم: جامعه المصطفی.
- عمید، حسن (1362). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- فتحی‌واجارگاه، کورش (1395). اصول برنامه و مفاهیم اساسی برنامه درسی. تهران: استادان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (1410 ق). العین. قم: هجرت، چ دوم.
- قاسمی، حمید و همکاران (1394). روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب. تهران: جامعه‌شناسان.
- قانادی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (1395). «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی». روشها و مآلهای روان‌شناختی، سال هفتم، ش 23: 57-82.
- کیان‌ارثی، فرحناز؛ علی‌اکبر سیف و علی دلاور (1393). «تربیتی ساختار متون درسی، پیش‌سازمان‌دهنده و هدفهای آموزشی بر میزان درک مطلب، سرعت مطالعه و تگوش به متن». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش 32: 1-18.

- معاونت پژوهش (1382). در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- معین، محمد (1379). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، چ پانزدهم.
- موریسون، گری و همکاران (1387). طراحی آموزش اثربخش. ترجمه غلامحسین رحیمی دوست. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی (1391). روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: ارسباران. چ نهم.
- یارمحمدیان، محمدحسین (1380). تحلیل محتوای برنامه و کتاب درسی. تهران: گروه آموزش راهنمایی تحصیلی دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش.
- نوریان، محمد (1394). روش‌های ارزشیابی کتاب‌های درسی با تأکید بر تحلیل محتوای کمی و کیفی. تهران: شورا. چ اول.
- Amid, Hassan (1983). **Amid Farhang**. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Armand, Mohammad & Hassan Maleki (2012). **Introduction to Designing and Writing a University Textbook**. Tehran: SAMT.
- Azkia, Mostafa & et al. (2010). **Applied Research Methods**. Tehran: Kayhan, Ch. II.
- Bailey, Stephen (2011). **Academic Writing a Handbook for International Students**. Routledge, London & New York. Ed3.
- Barden, L. (1995) **Content Analysis**. Translated by Malihe Estani & Mohammad Yemeni Dozi Sarkhabi. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Bloom, Benjamin S. & et al. (1995). **Classification of Cultivated Objectives**. Translated by Ali Akbar Saif & Khadija Aliabadi. Tehran: Roshd.
- Dehkoda, Ali Akbar (1998) **Dictionary**. Tehran: University of Tehran Press, Second Ch.
- Eslami, Seyyed Hassan (2004). **Ethics of Criticism**. Qom: Maaref.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1410 AH). **Al-Ain**. Qom: Hejrat, Ch. II.
- Fathi Vajargah, Kourosh (2016). **Curriculum Principles and Concepts**. Tehran: Professors.
- Ghaedi, Mohammad Reza & Alireza Golshani (2016). "**Content Analysis Method, from Quantitative to Qualitative**". *Journal of Psychological Methods and Models*, Seventh Year, No. 23: 57-82.
- Ghasemi, Hamid & et al. (2015). **Methodology of Book Review**. Tehran: Sociologists.
- Habibi, Reza (2011). **Curriculum Planning**. Qom: Seminary Management Center.
- Hartley, James (2004). "**Designing Instructional and Informational Text, Handbook of Research on Educational Communications and Technology**". *Keele University*: 917-947.
- Hasan-Moradi, Narges. (2016). **Textbook Content Analysis**. Tehran: Aeig, Fourth.

- Hasanzade, Ramadan (2014). **Applied Research Method**. Tehran: Ravan Publishing, Ch. III.
- Hayes, Nicky & Robert. J Sternberg (2017). "How Should Textbook Authorship Count in Evaluating Scholarly Merit, or Should It Count at All?". Recovery February 16. From: www.aaup.org.
- Ibn Manzur, Muhammad (1414 AH). **Lesan Al-Arab**. Beirut: Dar Sader.
- Khavas, Amir & et al. (2006). **Philosophy of Ethics Based on Educational Issues**. Qom: Maaref.
- Kian-Eerthi, Farahnaz; Ali Akbar Seif & Ali Delaware (2014). "The Effectiveness of Textbook Structure, Predictors, and Educational Objectives on Content Perception, Reading Speed, and Attitude to Text". *Research and Writing Academic Textbooks*, Vol. 32: 18.
- Lepionka, Mary Ellen (2003). **Writing and Developing your College Textbook**. Atlantic Path Pub.
- Moein, Mohammad (2000). **Persian Culture**. Tehran: Amir Kabir, Ch. 15.
- Morrison, Gary et al. (2008). **Design effective training**. Translated by Gholam Hossein Rahimi. Ahvaz: Shahid Chamran University.
- Naderi, Ezzatollah & Maryam Saif Naraqi (2012). **Research Methods and their Evaluation in the Humanities**. Tehran: Arasbaran, What a ninth.
- Nourian, Mohammad (1394). **Textbook evaluation methods with emphasis on quantitative and qualitative content analysis**. Tehran: Council. First Edition.
- Pakpour, Younes (2011). **Educational Technology**. Tehran: Didar.
- Parsa, Muhammad (1993). **The Psychology of Learning Based on Theories**. Tehran: Ba'atht.
- Raif, Daniel & Others (2012). **Media Message Analysis Using Quantitative Content Analysis in Research**. Translated by Mahdokht Boroujerdi Alavi. Tehran: Soroush, 4 Ch.
- Rasouli, Mahasti & Zahra Amir Atashani (2013). **Content Analysis with Textbook Approach**. Tehran: Sociologists, Second Ch.
- Research Deputy (2003). **In Search of Solutions for Compiling Textbooks**. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Sharifinia, Mohammad (2010). **Principles and Principles of Textbook Design**. Qom: Society of Mustafa.
- Simpson, Elizabeth (1966). **The Classification of Educational Objectives in the Psychomotor Domain**. University of Illinois, Urbana, Illinois.
- Taghipour, Ali (2011). **Educational Planning**. Tehran: Agah.
- Walker, Decker (1997). **Curriculum and Aims**. Published by Teachers College Press, 1234 Amsterdam Avenue, New York.
- Yarmohammadian, Mohammad Hossein (2001). **Content Analysis of Curriculum and Textbook**. Tehran: Department of Educational Guidance, Office of Public Education, Ministry of Education.

